



## مکتب کپنهاگ و امنیتی سازی مهاجرت در سیاست خارجی اروپا: روندها و پیامدها\*



جمشید پرویزی\*\* - دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی\*\*\*

This is an [open access](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

### چکیده

این مقاله به تبیین ابعاد گوناگون فرایند امنیتی سازی مهاجرت در اروپا می‌پردازد که در دهه‌های اخیر به‌طور چشمگیری بر گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی این قاره اثرگذار بوده و مهاجرت را از یک پدیده عادی اجتماعی به موضوعی مناقشه‌برانگیز بدل ساخته است. سوال اصلی پژوهش آن است که گفتمان‌های امنیتی در اروپا چگونه مهاجرت، به‌عنوان مساله‌ای اجتماعی - اقتصادی، را در قالب یک تهدید وجودی بازتعریف و بازنمایی کرده‌اند؟ این پژوهش با هدف نشان دادن پیامدهای این بازنمایی بر حقوق مهاجران و سیاست‌گذاری‌های اتحادیه اروپا و همچنین برجسته‌سازی ضرورت بازاندیشی انتقادی در رویکردهای مسلط به امنیت، انجام شده است. نویسندگان برای دستیابی به این هدف، از روش تحقیق کیفی مبتنی بر چارچوب نظری مکتب کپنهاگ و نظریه امنیتی سازی بهره گرفته‌اند که طی آن نقش کنشگران اصلی و ابژه‌های ارجاعی در معرض تهدید بررسی می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که این بازنمایی، نه بازتابی عینی از واقعیت، بلکه نتیجه کنش‌های گفتمانی هدفمند از سوی سیاستمداران، احزاب راست افراطی و رسانه‌ها است که امنیت داخلی، اقتصاد و به‌ویژه امنیت جامعه‌ای و هویت ملی را در معرض خطر جلوه می‌دهند.

### کلیدواژگان

امنیتی سازی، مهاجرت، اروپا، مکتب کپنهاگ

### مقدمه

پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر و متعاقب آن بحران پناجویان در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، پدیده مهاجرت در اروپا دچار یک گسست گفتمانی عمیق شد. مهاجرت که تا پیش از آن عمدتاً به عنوان یک مسئله اداری، جمعیتی یا چالش ادغام اجتماعی - اقتصادی نگریده می‌شد، به سرعت به صدر

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری روابط بین‌الملل پرویز جمشیدی با راهنمای دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی است.  
\*\* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی.

\*\*\* استاد تمام علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی. / نویسنده مسئول / ایمیل: [am-yousefi@sbu.ac.ir](mailto:am-yousefi@sbu.ac.ir)

اولویت‌های امنیتی قاره اروپا منتقل گردید. تحت تاثیر گفتمان‌های جدید، این پدیده از یک کلان‌روند عادی اجتماعی به یک تهدید وجودی علیه حاکمیت ملی، ثبات اقتصادی، امنیت فیزیکی و به‌ویژه هویت فرهنگی و امنیت اجتماعی کشورهای اروپایی بازتعریف شد. این تحول ساختاری که در ادبیات روابط بین‌الملل تحت عنوان فرایند امنیتی‌سازی مهاجرت شناخته می‌شود، ناشی از یک واقعیت عینی محض نیست، بلکه حاصل نوعی چارچوب‌بندی رسانه‌ای و سیاسی هدفمند است. در این فرایند، موج‌های پناهجویی نه به عنوان انسان‌های آسیب‌دیده از جنگ، بلکه با واژگانی هراس‌آور نظیر سیل پناهجویان، تهاجم فرهنگی یا بحران کنترل مرزها تصویرسازی می‌شوند. وقوع برخی حملات تروریستی در پایتخت‌های اروپایی و رشد فزاینده جریان‌های راست‌گرای رادیکال نیز بستر محیطی لازم را برای ترویج هراس عمومی فراهم ساخت؛ تا جایی که بر اساس افکارسنجی‌های بین‌المللی در اوج بحران ۲۰۱۵، بیش از نیمی از شهروندان اروپایی خواستار کاهش فوری و شدید ورود مهاجران شدند. این فضا، زمینه را برای توجیه اقدامات فوق‌العاده، نظامی‌سازی مرزها و تعلیق برخی رویه‌های حقوق بشری آماده کرد.

بر این اساس، پژوهش حاضر تلاش دارد تا ابعاد ساختاری این چرخش گفتمانی را کالبدشکافی کند و پرسش اصلی این پژوهش آن است که چگونه گفتمان‌های امنیتی در اروپا، مهاجرت را به عنوان یک تهدید وجودی ساخته و بازنمایی کرده‌اند؟ در کنار آن پرسش‌های فرعی زیر نیز مطرح می‌شوند: کنشگران اصلی امنیتی‌سازی مهاجرت در اروپا کدامند؟ ابژه‌های ارجاعی که در گفتمان‌های امنیتی به عنوان در معرض تهدید وجودی معرفی می‌شوند چیستند؟ ویژگی‌های کنش‌های گفتاری مورد استفاده در این فرایند کدامند؟ و در نهایت، این امنیتی‌سازی چه پیامدهایی بر سیاست‌گذاری‌های مهاجرتی اتحادیه اروپا و وضعیت حقوقی و انسانی مهاجران داشته است؟

فرضیه این پژوهش آن است که امنیتی‌سازی مهاجرت در اروپا، بازتاب عینی و مستقیم خطرات ذاتی این پدیده نیست، بلکه از طریق گفتمان‌های امنیتی خاص و با نقش‌آفرینی کنشگران دولتی، سیاسی و رسانه‌ای، به عنوان تهدیدی وجودی بازنمایی شده و این بازنمایی، توجیه‌کننده اقدامات فوق‌العاده و غیرعادی در حوزه کنترل مرزها و محدودیت‌های پناهندگی بوده است.

هدف اصلی این پژوهش، واکاوی چگونگی و ابعاد تبدیل مهاجرت به یک موضوع امنیتی در اروپا با تکیه بر چارچوب نظری مکتب کپنهاگ است. این پژوهش می‌کوشد با بررسی فرایند امنیتی‌سازی، درک عمیق‌تری از دینامیک‌های قدرت، ساخت اجتماعی تهدید و تأثیرات آن بر سیاست‌های داخلی و خارجی اروپا ارائه دهد.

روش این پژوهش، تحلیل نظری و گفتمانی بر اساس چارچوب امنیتی‌سازی مکتب کپنهاگ است. در این چارچوب، تمرکز بر بررسی نقش کنشگران امنیتی‌سازی، ابژه‌های ارجاعی، کنش‌های گفتاری و پیامدهای ناشی از این فرایند قرار دارد. یافته‌های کلی پژوهش نشان می‌دهد که مهاجرت در اروپا از طریق بازنمایی رسانه‌ای و سیاسی به مثابه «سیل» یا «تهاجم» و با بهره‌گیری از واژگان تهدیدآمیز، به موضوعی امنیتی تبدیل شده و این فرایند، منجر به تقویت رویکردهای سخت‌گیرانه مرزی، محدودسازی حقوق پناهجویان و نظامی‌سازی پاسخ‌ها به جریان‌های مهاجرتی شده است.

سازماندهی این مقاله به شرح زیر است: نخست به بیان مسئله، پرسش‌ها و فرضیه پژوهش پرداخته می‌شود و سپس چارچوب نظری مکتب کپنهاگ تشریح می‌گردد؛ در بخش بعد کنشگران اصلی امنیتی‌سازی مهاجرت در اروپا معرفی می‌شوند و سپس ابژه‌های ارجاعی مورد اشاره در گفتمان‌های امنیتی بررسی می‌گردند؛ ویژگی‌های کنش‌های گفتاری تحلیل می‌شوند و در نهایت، پیامدهای این امنیتی‌سازی بر سیاست‌گذاری‌های اتحادیه اروپا و وضعیت مهاجران بیان خواهد شد.

### ۱- پیشینه

ادبیات پژوهشی موجود در باب مهاجرت در دو موج مطالعاتی تکاملی دسته‌بندی می‌شوند. موج اول رویکردهای تاریخی، اقتصادی و حقوقی است که بستر تاریخی مهاجرت پس از جنگ جهانی دوم را واکاوی کرده و آن را پدیده‌ای موقتی برای جبران کمبود نیروی کار می‌دانند (Castles et al., 2014). در این راستا، گروهی بر چالش‌های جامعه‌شناختی ادغام فرهنگی مهاجران تمرکز کرده (Dustmann & Frattini, 2014) و دسته‌ای دیگر، چارچوب‌های حقوقی حمایت از پناهندگان را در اتحادیه اروپا مبنا قرار داده‌اند (Guild et al., 2017). همچنین، تحولات ژئوپلیتیک اواخر قرن بیستم نظیر فروپاشی شوروی و جنگ‌های بالکان، خلیج فارس و آفریقا در دهه ۱۹۹۰، به عنوان عوامل شتاب‌دهنده آوارگی به سمت اروپا بررسی شده‌اند (Ther, 2017).

با تحول در اقتصاد سیاسی بین‌الملل، موج دوم ادبیات تحقیق به سمت تبیین رویکرد امنیتی به مهاجرت تغییر جهت داد (Huysmans, 2009). رویدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرآیند امنیتی‌سازی مهاجرت را کلید زد؛ به طوری که مطالعات این دوره نشان می‌دهند چگونه اروپا با قوانین سخت‌گیرانه‌تر مرزی و پناهندگی، به تقویت گفتمان‌های هویتی، اسلام‌هراسی و پوپولیسم دامن زد (Boswell, 2007; Geddes, 2021). بحران پناهجویی ۲۰۱۵-۲۰۱۶ این روند را به اوج رساند (Collett & Le Coz, 2018; Guild et al., 2017) و آثاری پدید آورد که مهاجرت را نه یک چالش مدیریتی، بلکه تهدید و جودی صریح علیه امنیت ملی و هویت اروپایی بازتعریف کردند (Dennison & Geddes, 2019; Buzan & Hansen, 2009; Farani & Akram, 2020; Wæver, 2002).

در فضای پژوهشی داخل کشور نیز موضوع مهاجرت به اروپا مورد توجه قرار گرفته است. دسته‌ای از پژوهشگران به بررسی کلی پدیده مهاجرت یا مطالعه موردی جریان مهاجرتی از کشورهای اسلامی خاورمیانه به سمت اروپا پرداخته‌اند (محمدنیا، ۱۳۹۵)؛ (Mohammadia, 2016). اختیاری‌امیری، در مقاله مهاجران خاورمیانه‌ای و امنیت اروپا (اختیاری‌امیری و همکاران، ۱۳۹۹) (Ekhtiari & Amiri et al., 2020)؛ بهرامی‌پور در مقاله امنیتی‌سازی پدیده مهاجرت در اتحادیه اروپا با تأکید بر مسلمانان، (بهرامی‌پور و همکاران، ۱۴۰۳)؛ (Bahrapour et al., 2024) و دسته‌ای دیگر از منابع فارسی، بستر محیطی این پدیده یعنی برآمدن احزاب راست افراطی، جریان‌ات ضد مهاجرت و ابعاد سیاسی-اجتماعی آن را در کشورهای اروپایی کالبدشکافی کرده‌اند. همچنین حاجی‌یوسفی در مقاله فرصت‌های جدید مرادوات فرهنگی ایران و اروپا در عصر افراط‌گرایی (حاجی‌یوسفی،

۱۳۹۴)؛ (Hajjiousefi, 2015)؛ و مقصودی در مقاله مهاجرت و مرزهای بشردوستانه؛ نقض حقوق بشر به نام حقوق بشر در اتحادیه اروپا (مقصودی، ۱۴۰۱)؛ (Maqsoudi, 2022) و رسولی و موسوی، در مقاله نقش احزاب راست‌گرا در امنیتی‌کردن مهاجرت: تأثیر آن بر انتخابات پارلمان اروپا (روسولی ثانی‌آباد و موسوی، ۱۴۰۱)؛ (Rasoli Saniabad & Mousavi, 2022)؛ و (بهروز، ۱۳۹۷)؛ (Behroz, 2018) در وجه اشتراک خود، وام‌گیری نظری از رویکردهای انتقادی امنیت، به‌ویژه نظریه امنیتی‌سازی مکتب کپنهاگ برای تبیین جنبه‌هایی از این کلان‌روند داشته‌اند.

علی‌رغم غنای ادبیات موجود، یک خلاء پژوهشی عمده به‌ویژه در منابع فارسی به چشم می‌خورد؛ بیشتر پژوهش‌های گذشته، امنیتی‌سازی مهاجرت را معلول صرف بحران‌های ساختاری (نظیر ۱۱ سپتامبر یا بحران ۲۰۱۵) دانسته و از تحلیل مکانیسم درونی کنش‌های گفتاری و تکنیک‌های زبانی مکرر غفلت ورزیده‌اند. به بیانی دیگر، تمرکز پیشین عمدتاً بر پیامدهای این روند بوده است، نه پویایی‌های میان کنشگران امنیتی‌ساز و بازتعریف واژگون امنیت اجتماعی (هویت فرهنگی) به عنوان ابژه در معرض خطر. پژوهش حاضر با درک این شکاف، فرآیند ساخت اجتماعی این تهدید غیرعینی را در دو دهه اخیر اروپا کالبدشکافی کرده و مدلی منسجم از نحوه بازنامایی مهاجرت به عنوان خطری ضد هویتی ارائه می‌دهد.

## ۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری

پژوهش حاضر ضمن استخراج داده‌های به روز تا سال ۲۰۲۵، صراحتاً به کنشگران نوظهور رسانه‌ای و سیاسی که پس از موج‌های اصلی مهاجرت (۲۰۱۴-۲۰۱۵) در فرآیند امنیتی‌سازی نقش آفرینی‌شان پررنگ تر شده می‌پردازد. تأکید روش شناختی هم‌زمان مقاله بر تحلیل ساختار کنش گفتاری، پذیرش جامعه مخاطب و حلقه‌های بازخورد سیاست‌گذاری، (کنش گفتاری) ← امنیتی‌سازی یک تهدید وجودی برای شی مرجع ← پذیرش مخاطب ← (بازخور) امکان نمایش زنجیره علیت امنیتی‌سازی و اثرات سیاستی آن را فراتر از توصیف صرف می‌دهد و توجه میان‌بخشی و مقیاس‌پذیری نظری پژوهش از سطح سخنرانی‌های سیاسی ملی تا امنیتی‌سازی در سطح کلان<sup>۱</sup> در سطح اتحادیه اروپا و تعاملات میان‌بخشی هویتی، مرزی و اجتماعی-اقتصادی، امکان پیوند نظری مکتب کپنهاگ را با شواهد نوظهور رسانه‌ای و داده‌های کمی و کیفی معاصر برقرار می‌سازد و ساختار فرایند امنیتی‌سازی را نه به عنوان مجموعه‌ای از رویدادهای پراکنده، بلکه به عنوان یک زنجیره علی و چندسطحی توضیح می‌دهد و از آن برای نقد پیامدهای سیاست‌گذاری توسعه‌ای، انسجام اروپایی و بازآفرینی دیگری در مناسبات معاصر بهره می‌برد.

مقاله پاسخگوی خلاء نظری در ادبیات آکادمیک ایران است و مهاجرت را در ورای سیاست داخلی و کنترل مرز به سطح منطق تولید سیاست امنیتی و خارجی ارتقا می‌دهد و یک چارچوب مفهومی قابل انتقال برای فهم تحولات سیاست خارجی و امنیت داخلی کشور ارائه و نشان می‌دهد

<sup>۱</sup>. Macro-securitization

امنیتی‌سازی چگونه بر تصمیمات فرامرزی، ترتیبات همکاری یا فشار، دیپلماسی منطقه‌ای، مدیریت مرز و تصویر بین‌المللی کشور تاثیر می‌گذارد. در شرایط پیچیده ژئوپلیتیکی کشور مهاجرت می‌تواند به سرعت در قالب تهدید بازنمایی و به سیاست‌های استثنایی ترجمه شود، لذا باید در کنار تهدیدهای امنیت مرزها، قاچاق، تروریسم، فشارهای بین‌المللی، تحریم و منازعات منطقه‌ای قاب بندی شود.

نهایتاً یک ابزار تحلیلی قابل انتقال برای فهم دقیق‌تر فرضیه پیوند میان مهاجرت، امنیت و سیاست خارجی فراهم می‌کند که بسیاری از تصمیمات سخت‌گیرانه، محصول واقعیت‌های عینی نیست بلکه محصول صورت‌بندی گفتمانی است که قابل جای‌گذاری در منظومه‌های امنیتی بزرگتر مانند تروریسم، هویت و امنیت مرزی است و به سیاست خارجی کمک می‌کند تا خود را براساس آن بازتعریف کرده و ظرفیت‌سازی کند.

### ۳- تاریخچه: مکتب کپنهاگ و نظریه امنیتی‌سازی

مکتب کپنهاگ، توسط باری بوزان<sup>۱</sup>، اوله ویور<sup>۲</sup> و یاپ دی وایلد<sup>۳</sup> با تأکید بر جنبه‌های اجتماعی و گفتمانی امنیت بخش‌های مختلف امنیت مانند نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را از هم تفکیک و گسترش دستور کار امنیتی به حوزه‌های غیرنظامی را مورد توجه قرار می‌دهد. مهمترین اصل این نظریه امنیتی‌سازی<sup>۴</sup> است که به فرایندی اشاره دارد که طی آن، یک مسئله خاص در قالب یک کنش گفتاری، توسط کنشگر امنیتی ساز از حوزه سیاست عادی خارج شده و به عنوان یک «تهدید وجودی»<sup>۵</sup> برای یک اثره ارجاعی مطرح می‌شود که نیازمند اقدامات اضطراری و غیرعادی است. کنش گفتاری<sup>۶</sup> زبان و بیانیه‌ای است که توسط کنشگر امنیتی ساز مطرح می‌شود و از طریق آن، مسئله‌ای عادی به عنوان یک تهدید وجودی بازنمایی می‌گردد. موفقیت کنش گفتاری به این بستگی دارد که مخاطبان (مانند افکار عمومی یا نخبگان) آن را بپذیرند و به کنشگر امنیتی ساز اجازه دهند تا اقدامات فوق‌العاده‌ای را برای مقابله با تهدید انجام دهد.

بوزان (۱۹۹۱) تأکید می‌کند که امنیتی‌سازی یک فرآیند ذهنی است که توسط بازیگران سیاسی (دولت-ملت‌ها) هدایت می‌شود و از آن به عنوان ابزار سیاستی برای محدود کردن حرکت افراد یا گروه‌های خارجی ناخواسته استفاده می‌کنند در گفتمان امنیتی‌سازی مکتب کپنهاگ، پذیرش<sup>۷</sup> مخاطب برای موفقیت فرآیند امنیتی‌سازی حیاتی است. امنیت پدیده‌ای بین‌ذهنی است؛ به این معنا

<sup>1</sup>. Barry Buzan

<sup>2</sup>. Ole Wæver

<sup>3</sup>. Jaap de Wilde

<sup>4</sup>. Securitization Theory

<sup>5</sup>. Existential Threat

<sup>6</sup>. Speech Act

<sup>7</sup>. Acceptance

که تهدید بودن یک موضوع، علاوه بر طرح شدن توسط کنشگر امنیتی ساز، باید از سوی مخاطبان نیز پذیرفته شود. این پذیرش، به ادعای امنیتی‌سازی مشروعیت می‌بخشد و به کنشگر اجازه می‌دهد تا از سیاست‌های عادی فراتر رفته و اقدامات فوق‌العاده مانند تشدید کنترل مرزها یا محدودیت‌های حقوقی را به اجرا درآورد. بدون این رضایت جمعی، کنش گفتاری امنیتی‌سازی تنها یک لفاظی بی‌تأثیر باقی خواهد ماند و قابلیت توجیه اقدامات اضطراری را نخواهد داشت (Buzan & Wæver, 2009: 257).

مکتب کپنهاگ به مفاهیم امنیت اجتماعی<sup>۱</sup> و ماکروامنیتی‌سازی<sup>۲</sup> نیز توجه ویژه‌ای دارد، بوزان و ویور امنیت اجتماعی را توانایی یک جامعه برای تداوم در سرشت اساسی خود تحت شرایط متغیر و تهدیدات احتمالی یا واقعی تعریف می‌کنند. نگرانی اصلی در اینجا بقای یک هویت مشخص است که بر اساس زبان مشترک، فرهنگ، سنت‌های مذهبی، آداب و رسوم و غیره تعریف می‌شود. در امنیت اجتماعی، اژه امنیتی هویت جمعی یک جامعه یا «ما» است که فراتر از محدوده دولتی عمل می‌کند و باید از تهدیدات حفظ شود (Floyd, 2010: 213).

از نظر بوزان (۲۰۰۹) ماکروامنیتی‌سازی فرایندی است که نگرانی‌های امنیتی سطح کلان مانند «جنگ سرد» یا «جنگ جهانی علیه تروریسم» را طوری سازمان‌دهی می‌کند که مسائل و رویارویی‌های امنیتی خرد زیر یک چارچوب کلی تر قرار گیرند و شبکه‌ای از روابط میان بازیگران مختلف در مقیاس کلان می‌سازند که به یک الگوی ساختاری و صورت امنیتی غالب تبدیل می‌شود. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، محیط امنیتی جهانی دگرگون شد و ماکروامنیتی‌سازی گسترده‌ای شکل گرفت؛ تروریسم به عنوان تهدیدی وجودی و جهانی تعریف شد و فضای پایداری از ترس و عدم اطمینان ایجاد کرد که دولت‌ها و نهادهای امنیتی را به اتخاذ اقدامات گسترده و گسترش دامنه امنیت مهاجرت و کنترل مرزها واداشت (Buzan & Wæver, 2009: 268)، در نتیجه، صورت امنیتی غالب، تروریسم را به کانون سیاست امنیت بین‌الملل بدل کرد (Farani & Akram, ۲۰۲۰: ۱۱۷). این امنیتی‌سازی در قالب گفتمان‌های سیاسی و رسانه‌ای شرایطی فراهم کرد تا مهاجرت به یک مسئله امنیتی تبدیل و پاسخ‌های استثنایی دولت‌ها تحت لوای مقابله با تهدید تروریسم مجاز شود (Huysmans, 2000: 752).

#### ۴- امنیتی‌سازی مهاجرت در اروپا

در اروپا دولت‌ها و رهبران سیاسی کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به ویژه آن‌هایی که با موج مهاجرت روبرو بودند یا رویکردهای ملی گرایانه دارند، نقش محوری در امنیتی‌سازی مهاجرت ایفا کرده‌اند (Lahav & Messina, 2024: 90-92). برای مثال، سخنرانی‌های نخست‌وزیران کشورهای مجارستان (حزب فیدز)، لهستان (حزب قانون و عدالت) یا ایتالیا (حزب برادران ایتالیا و لیگا)، اغلب

<sup>1</sup>. Societal Security

<sup>2</sup>. Macrosecuritisation

مهاجرت را با مفاهیمی چون «ناامنی فرهنگی»، «از بین رفتن هویت ملی» یا «تهدیدات تروریستی» گره زده‌اند (fidesz.hu; fratelli-italia.it; Mudde, 2019). مائو سالوینی رهبر حزب لیگ ایتالیا و وزیر کشور سابق که به دلیل سیاست‌هایش در بستن بنادر ایتالیا به روی کشتی‌های حامل مهاجران شهرت دارد، مهاجران را به عنوان مجرم و مشکل امنیتی معرفی و می‌گوید: «زمان خوبی برای مهاجران غیرقانونی به پایان رسیده است» (Salvini, 2018). ماری لوپین رهبر حزب تجمع فرانسه با تأکید بر اولویت ملی می‌گوید: «مهاجرت توده‌ای تمدن ما را تهدید می‌کند» (Le Pen, 2022). مت فردریکسن، نخست‌وزیر دانمارک با تأکید بر لزوم کاهش پناهندگی و کنترل کامل بر مرزها تأکید می‌کند که «ما نمی‌توانیم هر کسی را بپذیریم، ما باید از جامعه خود محافظت کنیم» (Frederiksen, 2021). ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان که مهاجران را سومی برای اروپا می‌خواند، می‌گوید: «مهاجرت برای ما یک بحران نیست، بلکه یک تهدید برای هویت ملی و حاکمیت ماست» (Orbán, 2015).

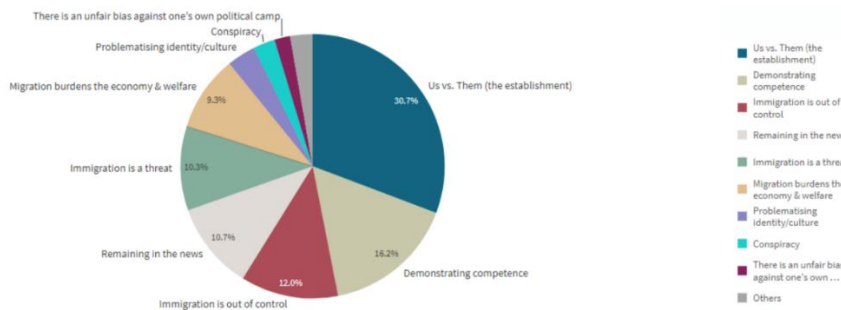
احزاب راست افراطی با استفاده از شعارهای ضد مهاجرتی و بیگانه‌ستیزانه، به شدت به این گفتمان دامن زده‌اند (Brubaker, 2017: 105)، این احزاب با کسب سرمایه اجتماعی از گفتمانهای مهاجرستیزانه و شعارهای ساده و احساسی مانند اولویت، حفاظت، وحدت، شخصی‌سازی مسئله و مقصر جلوه دادن گروه‌های معین مهاجران و تبدیل مسائل اقتصادی-اجتماعی به روایت‌های امنیتی و همچنین با خلق تمایز «ما» در برابر «آنها» و بازتولید گفتمان‌های نژادپرستانه و اسلام‌هراسی، مهاجران را به عنوان تهدیدی چندجانبه نمایش می‌دهند (Wodak & Krizsánovszky, 2013: 5). یک بخش دیگر از بازیگران امنیتی ساز رسانه‌ها هستند، آنها هم مستقیماً فرآیند امنیتی‌سازی را تقویت می‌کنند و هم به عنوان واسطه انتقال پیامها، اقدام به انتشار، بازتولید و تقویت دیدگاههای سیاستمداران و احزاب ضد مهاجرت می‌کنند و با تمرکز بر جنبه‌های منفی مهاجرت مانند جرم و جنایت، بار اقتصادی، یا تهدیدات تروریسم و استفاده از تصاویر و واژگان تحریک‌آمیز مانند سیل مهاجران یا تهاجم، نقش مهمی در شکل‌دهی به افکار عمومی و مشروعیت‌بخشی به گفتمان امنیتی ایفا کرده‌اند (Berry, Garcia-Blanco & Moore, 2015: 8); (Eberl et al., 2018: 213); (Chouliaraki & Zaborowski, 2017: 8-12)

در سال‌های ۲۰۲۲-۲۰۲۴ شمار قابل توجهی از شاخص‌های سیاسی و افکارسنجی‌ها نشان‌دهنده جهش اهمیت مهاجرت و رشد حمایت از احزاب راست‌گرا در اروپا بوده‌اند. نظرسنجی یوروبارومتر<sup>۱</sup> (Burtin, 2024) دسامبر ۲۰۲۳ نشان داد ۲۸٪ از شهروندان اروپایی مهاجرت را یکی از دو چالش اصلی اتحادیه می‌دانند. همزمان پیروزی احزاب و ائتلاف‌های راست‌گرای افراطی یا سخت‌گیر در انتخابات ملی و منطقه‌ای، پیروزی خیرت و یلدرز در هلند ۲۰۲۳ و صعود جریان‌های قدرتمند راست در نظرسنجی‌های فرانسه و آلمان عادی سازی گفتمان ضد-مهاجرت را تأیید

<sup>۱</sup>. Eurobarometer

می‌کنند. نتیجه این فشارها تصویب یا پیشنهاد قوانین سخت‌تر مهاجرت و پناهجویی، اصلاحات چارچوب پذیرش در سطح اتحادیه و طرح‌های ملی محدودکننده مانند لایحه مهاجرت فرانسه هر دو در سال ۲۰۲۳ بوده است (Burtin, 2024).

نمودار شماره ۱ توزیع روایت‌های غالب در پست‌های رسانه‌های در هشت کشور اتحادیه اروپا استخراج شده است. بزرگ‌ترین سهم (۳۰,۷٪) مربوط به روایت ما در برابر آنهاست، در حالی که روایت نشان دادن شایستگی ۱۶,۲٪ و روایت‌های مهاجرت از کنترل خارج شده، و مهاجرت به عنوان تهدید هر کدام حدود ۱۰-۱۲٪ را تشکیل می‌دهند، و روایت‌های اقتصادی، هویتی و تئوری‌های توطئه سهم کمتری دارند. این الگو تایید می‌کند که گفتمان مهاجرت در فضای آنلاین به‌طور چشمگیری قطبی و بحران محور است.



نمودار ۱- تحلیل روایت‌های غالب درباره مهاجرت در شبکه‌های اجتماعی

Figure 1- Analysis of dominant narratives about migration on social networks

Source: (Science for Policy, 2024. Joint Research Centre [JRC], 2025)

تحقیق دانشگاه کاردیف در مورد پوشش رسانه‌ای بحران پناهندگان و مهاجران در اتحادیه اروپا که به سفارش کمیساری عالی پناهندگان در پنج کشور آلمان، انگلیس، سوئد، ایتالیا و اسپانیا تهیه شده (UNHCR: 2015) نشان می‌دهد که رسانه‌های اروپایی نقش محوری در قاب‌بندی بحران مهاجرت در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ ایفا کرده‌اند. این نگاه منفی عمدتاً در قالب امنیتی‌سازی، تصویرسازی کلیشه‌ای و عدم ارائه صدای مهاجران نمود یافته است.

مطالعات محتوایی روزنامه‌های ملی بریتانیا در بازه ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ نشان داده‌اند که رسانه‌ها و نشریات زرد، بیشتر از عبارات منفی و قاب‌بندی‌های تهدیدآمیز درباره مهاجران استفاده می‌کنند، در حالی که رسانه‌های اخبار و تحلیل به موضوعات حقوقی و سیاسی مهاجران توجه بیشتری دارند. همچنین رسانه‌های محافظه کار تمایل دارند جنبه‌های منفی مهاجرت را برجسته کنند، ولی رسانه‌های

<sup>1</sup>. Tabloids

<sup>2</sup>. Broadsheets

لیبرال بیشتر بر حمایت و پیچیدگی‌های قضایا تأکید دارند. این تفاوت‌ها نقش مهمی در شکل‌دهی نگرش عمومی و تأثیرگذاری بر سیاست‌های مهاجرتی ایفا می‌کند (Blinder & Allen, 2015: 3-7).  
به عنوان مثال روزنامه سان با رویکردی بسیار خصمانه و استفاده مکرر از واژه‌های غیرقانونی<sup>۱</sup> و مهاجر غیرقانونی<sup>۲</sup> نوشته است:

«در دولت، محافظه‌کاران درباره کنترل سیل مهاجران حرف‌های بزرگی می‌زنند، حتی در حالی که هر سال ۲۸۰ هزار نفر جدید می‌پذیرند. این تعداد شامل کسانی که هر روز از طریق کالای‌های قاچاقچی از آفریقا وارد می‌شوند، نیست. رای‌دهندگان عصبانی شاهد ازدحام بیمارستان‌ها، مدارس و درمانگاه‌ها هستند که مجبور به سکوت بودند. حالا، به لطف حزب استقلال بریتانیا، صدای خود را پیدا کرده‌اند و فریاد می‌زنند. برای اولین بار، نمایندگان حزب کارگر از مهاجرانی که در صف دریافت خانه‌ها هستند، دستمزدها را پایین می‌آورند، مدارس را با زبانی آشفته پر می‌کنند، و وام‌های رفاهی به خانواده‌هایشان می‌فرستند، شکایت می‌کنند.» (نقل به مضمون در Berry, Garcia-Blanco & Moore, 2015: 40)

مطالعه موردی آندن، واکنش کاربران شبکه اجتماعی فیسبوک سوئد به بحران مهاجرت سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۵ را بررسی می‌کند. بخشی مهم از این واکنش‌ها، در قالب نگرانی‌های امنیتی، اقتصادی و فرهنگی از مهاجران بروز پیدا کردند و نمایندگان سیاسی حزب محافظه‌کار دموکرات سوئد بیشترین سهم را در این جریان داشتند. پست‌های ضد مهاجرت بیشتر توسط نمایندگان حزب دموکرات و برخی سیاستمداران راست‌گرای سوئدی منتشر می‌شد و معمولاً شامل چارچوب امنیتی و منابع محدود بودند، که پناهجویان را به عنوان تهدید به امنیت ملی یا فشار بر سیستم رفاهی سوئد بیان می‌کردند (Andén, 2016: 40-45). پست‌های مهم شامل پیام‌هایی درباره تأثیرات منفی مهاجرت بر بازار کار، جرم و جنایت به ویژه اتفاقات پاریس و تهدید به نظم اجتماعی بودند. زبان این پست‌ها گاه بسیار تند و تحقیرآمیز علیه پناهجویان بود و این باعث ایجاد محیطی خصمانه در کامنت‌ها و واکنش‌ها شد.

از میان ۱۶۵ پست تحلیل شده، حدود ۱۵٪ لایک‌ها به پست‌های مخالف پذیرش مهاجران تعلق داشت. یک نمونه برجسته، پست جیمی اکسیون، رهبر حزب اس.دی. است که در سپتامبر ۲۰۱۵ بیش از ۲۶ هزار لایک دریافت کرد.

«ما نمی‌توانیم پذیرای همه کسانی باشیم که به ما می‌آیند؛ سیستم کشور توان تحمل این حجم از

1. The Sun

2. Illega

3. Illegal immigrant

4. UKIP

5. SD (Sweden Democrats)

6. Jimmy Åkesson

7. SD

مهاجران را ندارد و این فشار بر رفاه و امنیت همگان تاثیر می‌گذارد. بخشی از مهاجران کسانی هستند که نه تنها منابع مالی برای ادعای پناهندگی ندارند، بلکه تقاضای ما برای کمک در وطنشان را نادیده می‌گیرند.» جیمی آکسیون. (Andén, 2016: 43)

این پست بیش از ۲۶ هزار لایک داشت و نگرانی درباره فشار اقتصادی و اجتماعی ناشی از ورود مهاجران را برجسته می‌کند. اگرچه نسبت کل لایک‌ها در کل دوره مطالعه برای پست‌های ضد مهاجرت کمتر از حمایت‌کنندگان پذیرش پناهجویان بود (حدود ۳۲٪ در برابر ۶۸٪) اما تعداد قابل توجهی از کاربران فعال حمایت خود را نشان دادند. پست‌های طرفدار مهاجران بیشتر فضایی انسانی و حمایت‌گرانه داشتند ولی پست‌های ضد مهاجرتی اغلب با مخالفت‌های شدید، توهین، قطع گفتگو، نزاع لفظی، تهمت و حتی خصومت کلامی شدید همراه بودند. این فضا باعث ایجاد «حلقه‌های پژواک» و تمایل کمتر به تعامل با دیدگاه‌های مخالف شد. (Andén, 2016: 52)

همچنین نتایج تحلیل ۸۹۳ توییت پوپولیست‌ها از اکتبر ۲۰۲۱ تا دسامبر ۲۰۲۳ و تحلیل ۱۹,۰۰۰ پست فیسبوک از پروژه نودس، نشان می‌دهد که عموم شهروندان نگرانی قابل توجهی نسبت به «توزیع ناعادلانه» پناهجویان، «بار اقتصادی/رفاهی» و ناکافی بودن عملکرد سیستم پناهجویی دارند (Joint Research Centre [JRC], 2025).

#### ۴-۱- تبیین تهدیدها و ایزدهای ارجاعی

کشگران امنیتی‌ساز در اروپا، با سیاست‌ها و اظهارات مهاجر ستیزانه، مهاجران را به‌عنوان تهدیدی برای ایزدهای ارجاعی مختلفی معرفی می‌کنند. ایزدهای ارجاعی با تمرکز بر مواضع اظهارات مقامات اروپایی را می‌توان به شرح ذیل دسته‌بندی کرد:

##### ۴-۱-۱- امنیت ملی و داخلی/سیاسی

مهاجران، بویژه پس از عملیات‌های تروریستی، به‌عنوان تهدیدی برای نظم عمومی، امنیت داخلی و تروریست‌های احتمالی معرفی می‌شوند که موجب توجیه نظارت بیشتر و اقدامات قهری علیه مهاجران می‌شود (EU Terrorism Situation and Trend Report: 2020). مثال: ماتئو سالوینی<sup>۱</sup> مهاجران را به‌عنوان مشکل امنیتی معرفی (Salvini, 2018) و آنها را مستقیماً در دایره تهدیدات امنیتی داخلی قرار داد.

##### ۴-۱-۲- هویت و فرهنگ ملی-اروپایی

در حوزه امنیت اجتماعی، ایزده ارجاعی، هویت جمعی یک جامعه یا «ما» است که شامل عناصر فرهنگی، زبانی و دینی می‌شود. کشگران امنیتی‌ساز استدلال می‌کنند که ورود مهاجران با فرهنگ‌های متفاوت، به ویژه از کشورهای مسلمان، منجر به تضعیف هویت ملی، از بین رفتن ارزش‌های اروپایی و تشدید شکاف‌های اجتماعی می‌شود (Buzan & Wæver, 1997: 248) و

<sup>1</sup>. NODES (Feb 2020–Jul 2023)

<sup>2</sup>. Matteo Salvini

<sup>3</sup>. We-ness

(Lahav & Messina, 2024: 52-54). مصداق بارز این تهدید اظهارات ویکتور اوربان است که مهاجرت را تهدیدی جدی برای هویت فرهنگی و مسیحی اروپا می‌داند. او حتی اتحادیه اروپا را به تلاش برای اسلامی کردن اروپا از طریق مهاجرت متهم کرده‌است. (Orbán, 2015) مارین لوپن نیز مهاجرت را تهدیدی برای تمدن فرانسوی می‌داند و بر نظریه جایگزینی<sup>۱</sup> بزرگ تأکید می‌کند و می‌گوید: «مهاجرت توده‌ای، تمدن ما را تهدید می‌کند» (Le Pen, 2022). این سخن مستقیماً بر روی ترس از دست دادن هویت فرهنگی و جایگزینی جمعیتی متمرکز است. مفهوم جایگزینی بزرگ یک نظریه توطئه است که معتقد است جمعیت بومی و سفیدپوست فرانسه و به طور کلی اروپا به تدریج و عمدی توسط جمعیت مهاجر، به ویژه از کشورهای آفریقایی و مسلمان، جایگزین می‌شود (Vallée, 2025: 17).

#### ۴-۱-۳- ثبات اقتصادی و رفاه اجتماعی

در این بعد، مهاجران به عنوان بار بر دوش سیستم‌های رفاهی، عامل کاهش دستمزدها، یا رقیب نیروی کار داخلی معرفی می‌شوند که به اقتصاد و زیرساخت‌های اجتماعی فشار وارد می‌کنند (Lahav & Messina, 2024: 62-65). بحران مالی ۲۰۰۸ و متعاقب آن نگرانی‌ها در مورد بازارهای کار و سیستم‌های رفاه اجتماعی، این بعد از امنیتی‌سازی را تشدید کرد. مت فردریکسن<sup>۲</sup>، نخست وزیر دانمارک، سیاست‌های سختگیرانه‌ای را برای کاهش تعداد پناهندگان و مهاجران به دلیل نگرانی از فشار بر سیستم رفاهی و اجتماعی دانمارک اتخاذ کرده‌است. سخن او محافظت از جامعه خود در مقابل پناهجویان برای توجیه سیاست‌های «پناهندگی صفر» و تمایل به انتقال پناهجویان به کشورهای ثالث است (Frederiksen, 2021).

#### ۴-۱-۴- کنترل مرزها و حاکمیت

این بعد بر توانایی دولت‌ها در کنترل مرزهای خود به عنوان یک عنصر حیاتی حاکمیت متمرکز دارد. موج‌های غیرقابل کنترل مهاجرت به عنوان تهدیدی برای این کنترل و حاکمیت تصویر می‌شوند. در این زمینه، رقابت فزاینده میان نهادهای پلیس، نظامی و گمرک در چارچوب توافق‌نامه شنکن اروپاست، جایی که مرزها دیگر به صورت خطی دیده نمی‌شوند، بلکه به صورت عمقی کنترل می‌شوند؛ دشمن در داخل کشور خود جستجو می‌شود، در حالی که پلیس‌ها به صورت بین‌المللی همکاری می‌کنند (Wæver, 2002: 7) و (مقصودی، ۱۴۰۱: ۲-۱)؛ (Maqsoudi, 2022: 1-2). ماتئو سالوینی<sup>۴</sup> نمونه بارز یک کنشگر امنیتی‌ساز در این حوزه است. او با شعار ایتالیایی‌ها اول و سیاست بنادر بسته خود، به دنبال نمایش قدرت دولت در کنترل مرزها و بازگرداندن حاکمیت بر آن‌ها بود. اقدامات او، مانند جلوگیری از پهلو گرفتن کشتی‌های نجات مهاجران، مستقیماً به ابژه کنترل مرزها اشاره دارد (Salvini, 2018). ویکتور اوربان نیز بارها بر لزوم دفاع از مرزهای خارجی

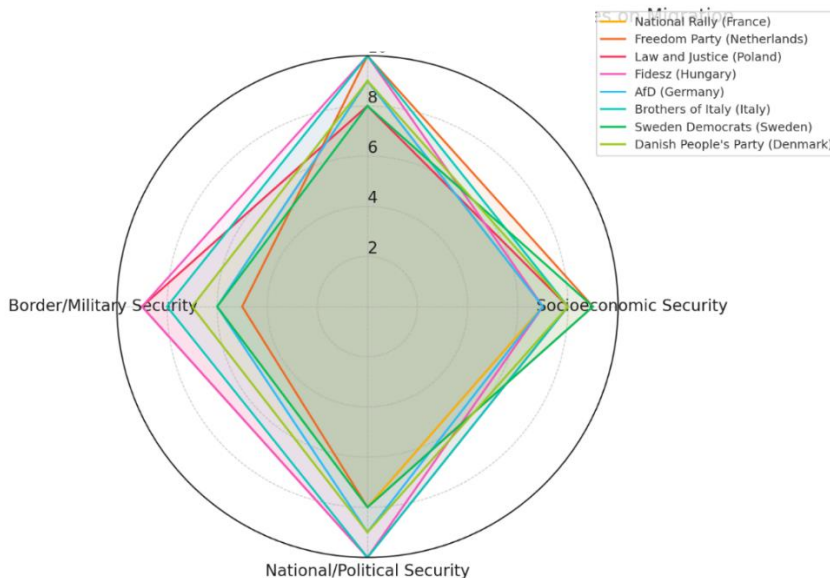
<sup>1</sup>. Marine Le Pen

<sup>2</sup>. Grand Replacement

<sup>3</sup>. Mette Frederiksen

<sup>4</sup>. Matteo Salvini

اتحادیه اروپا و مجارستان تأکید کرده و مهاجرت را نقض حاکمیت ملی دانسته است. ساخت حصارهای مرزی و نظامی سازی مرزها در مجارستان، نمود عینی این رویکرد است که توانایی دولت در کنترل مرزها را به‌عنوان یک ابژه ارجاعی حیاتی معرفی می‌کند (Orbán, 2015).



نمودار ۲- میزان توجه هشت حزب دست راستی را به هر کدام از ابعاد چهارگانه امنیتی سازی

Chart 2 shows the level of attention paid by the eight right-wing parties to each of the four dimensions of securitization

منبع: (نویسندگان، ۱۴۰۴)؛ (Authors, 2025)

حزب سیاسی	امنیت فرهنگی	امنیت اجتماعی / اقتصادی	امنیت ملی / سیاسی	امنیت نظامی / مرزی
جبهه ملی - فرانسه	9	7	8	6
حزب آزادی - هلند	10	9	8	5
قانون و عدالت - لهستان	8	8	10	9
فیدز - مجارستان	10	7	10	9
آلترناتیو برای آلمان	9	7	9	6
برادران ایتالیا	10	8	10	8
دموکرات‌های سوئد	8	9	8	6
حزب مردم دانمارک	9	8	9	7

جدول ۲- بیشینه و کمینه ابعاد مورد تمرکز احزاب راستگرا در امنیتی سازی

Table 2- Maximum and minimum dimensions of focus for right-wing parties in securitization

منبع: (نویسندگان، ۱۴۰۴)؛ Source: (Authors, 2025)

جدول نشان می‌دهد که تمامی احزاب بیشترین تأکید را بر امنیت فرهنگی و ملی دارند و مهاجرت از فرهنگ‌های غیرغربی مانند اسلام را تهدیدی برای هویت و حاکمیت ملی می‌دانند. n. می‌توان نتیجه گرفت که کنشگران امنیتی‌ساز به شکل استراتژیکی با تمرکز بر ایزه‌های ارجاعی متفاوت و به کارگیری کنش‌های گفتاری متمایز، گفتمان‌های امنیتی مهاجرت را شکل می‌دهند. احزاب راست افراطی عمدتاً بر «هویت ملی» و «امنیت فرهنگی» تأکید دارند و با زبان احساسی و هشدارآمیز، مهاجران را به عنوان تهدید برای فرهنگ و هویت جامعه بومی معرفی می‌کنند که این رویکرد منجر به فعال‌شدن ترس هویتی می‌شود (Mudde, 2019: ۱۰۸)؛ (Wodak & KhosraviNik, 2013: 39-55) در مقابل، رسانه‌ها بیشتر بر ایزه‌های «امنیت ملی» و «ثبات اجتماعی» تأکید دارند و با زبان گزارشگرانه، مهاجرت را در چارچوب تهدیدات تروریستی و نظم اجتماعی منتقل می‌کنند و بدین ترتیب زمینه‌ساز سیاست‌های کنترل مرزی می‌شوند (Huysmans, 2009:12)؛ (Carrera et.al., 2019: 2). احزاب راست افراطی کنش‌های گفتاری تحریک‌آمیز و هیجانی بکار می‌برند تا مخاطبان را علیه «دیگری» بسیج کنند، در حالی که رسانه‌ها با کنش‌های هنجاری و استناد به منابع رسمی، مشروعیت امنیتی‌سازی را تقویت می‌کنند. این دو کنشگر با رویکردهای متمایز اما هم‌افزا، امنیتی‌سازی مهاجرت را پیش می‌برند و بستر سیاست‌های محدودکننده را فراهم می‌کنند (Farani & Akram, 2020: 114-120)؛ (Bigo, 2002:72-73). این ایزه‌های ارجاعی، به کنشگران امنیتی‌ساز اجازه می‌دهند تا واکنش‌های فوق‌العاده‌ای مانند تشدید کنترل مرزها، محدودیت‌های حقوقی و برون‌سپاری کنترل مهاجرت را توجیه کنند.

#### ۴-۲- تحلیل کنش‌های گفتاری

کنشگران امنیتی‌ساز در اروپا از زبان و گفتمان خاصی برای بازنمایی مهاجرت به عنوان تهدید استفاده می‌کنند. این کنش‌های گفتاری شامل: استعاره‌های جنگی و طبیعی مانند سیل مهاجران، موج انسانی، تهاجم و حمله به طور مکرر به کار می‌روند تا مهاجرت را به پدیده‌ای خارج از کنترل و تهدیدآمیز شبیه کنند (Wodak & KhosraviNik, 2013: 30-33). این گفتارها به شدت بر بعد احساسی و ایجاد ترس در مخاطبان تمرکز دارند.

در گفتمان‌های امنیتی، مهاجرت به طور مداوم با افزایش جرم و جنایت یا تهدیدات تروریسم مرتبط می‌شود. (Lahav & Messina, 2024: 282).

عباراتی مانند مهاجرت غیرقانونی یا غیرقابل کنترل برای سلب مشروعیت از ورود مهاجران و افزایش حس ترس و اضطراب استفاده می‌شوند.

دیگری‌سازی! ساختن تصویری از مهاجران به عنوان دیگری متفاوت و بیگانه که با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه اروپایی ناسازگار است. این فرایند به جدا کردن مهاجران از ما و تضعیف هم‌دلی

<sup>1</sup>. Othering

کممک می‌کند و در گفتمان‌های راست افراطی بسیار مشهود است (Wodak & KhosraviNik, 2013: 59-61)

محتوای نگرانی‌های ضد مهاجرتی که به مخاطبان منتقل می‌شد شامل:

امنیت و جرم: بحث‌های ضد مهاجرتی تأکید زیادی بر نقش مهاجران در جرائم حوادث تروریستی داشتند مثال آن ارجاع به حمله‌های تروریستی پاریس در نوامبر ۲۰۱۵ و گزارش تجاوزات جنسی در کلن بود (Andén, 2016: 47)

«حوادث تروریستی اخیر در پاریس و تجاوزهای جنسی در کلن نشان داده‌اند که ما با ورود بی‌رویه مهاجران، خطرات جدی امنیتی را به کشور خود وارد می‌کنیم. سوئد باید جلوی این موج را بگیرد و اولویت را به امنیت شهروندان خود بدهد.» جیمی آکسیون فشار نظام رفاهی: ادعا می‌شد که ورود انبوه پناهجویان بیش از توان اقتصادی و اجتماعی سوئد است و ممکن است به کاهش کیفیت خدمات اجتماعی، بیکاری و مشکلات مالی منجر شود (Andén, 2016: 43).

فرهنگ و هویت: خطر از دست دادن فرهنگ سوئدی و همبستگی اجتماعی به دلیل تغییرات جمعیتی و فرهنگی ناشی از مهاجرت مدام تکرار می‌شد (Andén, 2016: 44-45)

رسانه‌های اروپایی، به‌ویژه در اواخر سال ۲۰۱۵، روایت خود را از همبستگی به امنیتی‌سازی و ترس تغییر دادند. این تغییر، مهاجران را تهدید امنیتی یا تروریست‌های احتمالی معرفی می‌کرد و به دلیل وجود اضطراب‌های اجتماعی از پیش موجود مرتبط با مهاجران مانند سوابق بمب‌گذاری، حملات فیزیکی، تجاوز و مانند آن، موثر بود (Georgiou & Zaborowski, 2017: 1)

تغییر روایت منجر به قاب‌بندی تهدیدآمیز قوی‌تری در کشورهای اروپایی شد، در رسانه‌های مجارستان و سایر کشورهای اروپای شرقی گفتار نفرت و خصومت سیستماتیک و پایدار علیه مهاجران بوجود آمد (Chouliaraki & Zaborowski, 2017: 4-7) به گونه‌ای که براساس نظرسنجی موسسه گالوپ در سال ۲۰۱۷ مردم مجارستان با ۷۰ درصد مخالفت، بالاترین میزان عدم پذیرش مهاجران سوری در اروپا را داشتند (Gallup, 2016).

مطالعه دانشگاه کاردیف نشان می‌دهد پوشش خبری بحران پناهندگان در کشورهای اروپایی از نظر بار احساسی و چارچوب رسانه‌ای متفاوت بوده است. در بریتانیا، رسانه‌های راست‌گرا مانند The Sun و The Daily Mail بر نگرانی‌های امنیتی، مشکلات ادغام فرهنگی و هزینه‌های اقتصادی تأکید کرده‌اند و حدود ۴۰٪ پوشش خبری بار منفی قابل توجهی داشته است (Berry, Garcia-Blanco & Moore, 2015: 6-16). در ایتالیا اگرچه غالب پوشش انسانی دوستانه بود، بیش از ۲۰٪ اخبار چارچوب‌های منفی مرتبط با نگرانی‌های امنیتی، سوءاستفاده از سیستم پناهندگی، قاچاق انسان و فشار بر نظام‌های رفاهی و مرزی داشتند؛ رسانه‌های محافظه‌کار مانند Il Giornale بر مدیریت مرزها و نگرانی‌های اقتصادی تمرکز کردند (Berry, Garcia-Blanco & Moore, 2015: 6-16). در اسپانیا نیز تم‌های تهدیدآمیز از قبیل تهدید برای نظام رفاهی و تهدیدات فرهنگی در پوشش رسانه‌ای

برجسته بودند (1: UNHCR, 2015).

#### ۳-۴- تصویرسازی منفی و کلیشه‌ای که از مهاجران

##### ۳-۴-۱- مهاجران به عنوان دیگری خطرناک

رسانه‌ها به طور کلی ورود مهاجران را به عنوان بحرانی برای اروپا قاب‌بندی کرده و تازه‌واردان را به عنوان دیگری معرفی می‌کردند که می‌توانستند هم آسیب‌پذیر و هم خطرناک باشند، در کشورهایی با رویکرد امنیتی‌تر، تصویر خطرناک، قوی‌تر بود (Chouliaraki & Zaborowski, 2017: 5).

##### ۳-۴-۲- تصویرسازی به عنوان مهاجم یا باری بر دوش جامعه

رسانه‌ها در کشورهایی با قاب‌بندی تهدیدآمیز قوی‌تر، به جای ارائه چهره انسانی، مهاجران را به عنوان گروهی ناشناس و تهدیدآمیز نظیر مهاجمان<sup>۱</sup> یا بار بر دوش جامعه تصویر می‌کردند که به کاهش همدلی و افزایش ترس کمک می‌کرد (2: Zaborowski & Georgiou, 2017).

##### ۳-۴-۳- قاب‌بندی جرم

اشاره به جرایم ارتكابی توسط مهاجران، و تأکید صریح بر مجرم بودن همه مهاجران (UNHCR, 2015: 277).

##### ۳-۴-۴- تصویرسازی مغرضانه و بی‌اساس

مهاجران اغلب به عنوان گروهی نامتمایز از افراد ناشناس و بدون مهارت تصویر می‌شدند. انتشار اطلاعات مغرضانه یا بی‌اساس به تداوم کلیشه‌ها و ایجاد محیطی نامطلوب برای پذیرش پناهندگان و ادغام آن‌ها در جامعه کمک کرده است (1: Georgiou & Zaborowski, 2017).

لازمه دستیابی تصویرسازیهایی فوق به پذیرش مخاطب سه عامل است که علاوه بر اثر جداگانه، به صورت هم افزا چرخه گفتمان‌های امنیتی را در جامعه تثبیت کرده و به پذیرش گسترده‌تر سیاست‌های امنیتی منجر می‌شود:

اضطراب‌ها و ناامنی‌های اجتماعی از پیش موجود مانند بحران‌های اقتصادی یا نگرانی‌های هویتی، بستر مناسبی برای پذیرش گفتمان‌های امنیتی فراهم می‌کند (Wodak & KhosraviNik 2013: 154)؛ (1: Carrera et al., 2019). در اروپا تجربه سخت بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸، در فرانسه تجربه تقابل‌های هویتی بر سر مسئله حجاب در مدارس، در سوئیس بحران مناره‌ها، در بروکسل و ماریش مشکل تغییر ترکیب جمعیتی به نفع مسلمانان، بمب‌گذاریهای لندن و مادرید در ۲۰۰۴-۲۰۰۵ و بحران کاریکاتورها در دانمارک و سوئد از نمونه اضطراب‌های اجتماعی، هویتی و امنیتی هستند که مخالفان مهاجرت برای تاثیرگذاری پیامهای خود از آنها استفاده می‌کردند.

رسانه‌های جریان اصلی با برجسته‌سازی اخبار جنجالی و استفاده از واژگان تهدیدآمیز، فضای ترس عمومی را ایجاد می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی نیز با انتشار سریع گفتمان‌های پوپولیستی و شکل‌دهی به حباب‌های اطلاعاتی، این روند را تشدید کرده و به پذیرش گسترده‌تر پیام‌های امنیتی کمک می‌کنند (10-11: Huysmans & Squire, 2009).

<sup>1</sup>. Outsiders

<sup>2</sup>. Invaders

اعتبار درک شده کنشگران امنیتی ساز نقش اساسی در موفقیت امنیتی سازی دارد. وقتی این کنشگران به عنوان نماینده نظم و قدرت یا کارشناسان امنیت شناخته می‌شوند، پیام‌هایشان بیشتر مورد قبول قرار می‌گیرد. احزاب راست افراطی نیز با ارائه تصویری از خود به عنوان مدافع هویت ملی، اعتبار اجتماعی کسب می‌کنند (EU Observer, 2017:1)

#### ۴-۴- پیامدهای امنیتی‌سازی مهاجرت بر سیاست‌گذاری‌های مهاجرتی اتحادیه اروپا و وضعیت حقوقی و انسانی مهاجران

از نظر مکتب کپنهاگ امنیتی‌سازی به شکل یک چرخه بازخوردی<sup>۱</sup> عمل می‌کند؛ چرا که گفتمان‌های امنیتی باعث شکل‌گیری سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مادی در حوزه کنترل مهاجرت می‌شوند (Buzan & Hansen, 2009: 21-49) و این زیرساخت‌ها به نوبه خود بر ادراکات عمومی و چارچوب‌های سیاسی تاثیر می‌گذارند و گفتمان امنیتی را تقویت و مشروعیت می‌بخشند (Carrera et al., 2019: 2). به عبارتی، امنیتی‌سازی مهاجرت نه فقط یک روند خطی بلکه یک تعامل پیچیده میان واقعیت‌های مادی و ساختارهای گفتمانی است که در هم تنیده‌اند و بر یکدیگر تاثیر گذارند. بر این اساس پیامدهای اصلی امنیتی‌سازی مهاجرت عبارتند از:

نظامی‌سازی و تشدید کنترل مرزها: سرمایه‌گذاری سنگین در فناوری‌های نظارتی و تقویت نیروهای مرزی مانند فرانتکس گفتمان امنیتی را بازتولید و به امنیتی‌تر شدن بیشتر مسائل کمک می‌کنند. (Frontex, 2021-2024)

محدودیت‌های حقوقی و تضعیف حقوق بشر: دشوار شدن روند درخواست پناهندگی و افزایش بازداشت مهاجران، اتخاذ سیاست‌های «پناهندگی صفر» توسط برخی کشورها (آلمان و دانمارک) نیز بازتاب مستقیم غلبه منطق امنیتی‌سازی و فشارهای سیاسی پوپولیستی است (Amnesty International, 2020) و (Carrera et al., 2019:18) و (مقصودی، ۱۴۰۱: ۹-۲) (Maqsoudi, 2022: 2-9)

گسترش بیگانه‌ستیزی و اسلام‌هراسی همراه با نقش موثر رسانه‌ها در دامن زدن به این گفتمان‌ها، به حذف هویت مهاجران و پناهجویان انجامیده و فضای ترس و عدم اطمینان را در جوامع افزایش داده است (Berry, Garcia-Blanco & Moore, 2015: 20-24)؛ (Brubaker, 2017: 101) نظرسنجی‌ها نیز این دیدگاه را تایید می‌کنند؛ برای مثال، در سال ۲۰۱۶ همانگونه که در جدول شماره ۳ مشخص شده است، ۵۹ درصد از مردم در کشورهای اروپایی، مهاجران را یک تهدید امنیتی تلقی کرده‌اند (Pew Research Center, 2016).

انجام امنیتی‌سازی مهاجرت در سطح فراتر از مرزهای اروپا به‌ویژه از طریق برون‌سپاری کنترل مهاجرت به کشورهای ثالث که اغلب با چشم‌پوشی از رعایت اصول حقوق بشری در این کشورها همراه بوده است. (UN Human Rights Council, 2016) این رویکرد شرایط سخت‌تری را برای مهاجران و پناهجویان و بحران‌های انسانی و حقوقی را در مناطق مرزی تشدید کرده است.

<sup>1</sup>. Feedback loop

## نتیجه‌گیری

می‌توان نتیجه گرفت که امنیتی‌سازی مهاجرت در اروپا نه یک پیامد قهری ناشی از آمارهای جمعیتی یا فشارهای اقتصادی، بلکه محصول یک کنش گفتاری آگاهانه از سوی کنشگران بانفوذ است. این گفتمان با جابجایی هوشمندانه مهاجرت از حوزه سیاست عادی به حوزه سیاست استثنایی، موفق شده هویت اروپایی و امنیت مرزی را به عنوان ابره‌های ارجاعی در معرض خطر بازنمایی کند. بر این اساس، فرضیه پژوهش تایید می‌شود که پیوند میان مهاجرت و امنیت، بیش از آنکه ریشه در واقعیت‌های عینی داشته باشد، در یک منظومه گفتمانی بزرگتر مانند اسلام‌هراسی و تروریسم مفصل‌بندی شده است. این صورت‌بندی به سیاست خارجی اروپا اجازه می‌دهد تا از طریق ابزارهای سخت‌گیرانه و توافقات فرامرزی، مهاجرت را نه به مثابه یک پدیده انسانی، بلکه به عنوان یک تهدید وجودی مدیریت کند که ظرفیت‌های امنیتی جدیدی را برای اتحادیه اروپا تولید می‌نماید.

اهمیت و ارزش این مقاله برای فضای آکادمیک و اجرایی ایران در آن است که با ارائه یک ابزار تحلیلی انتقال‌پذیر، مهاجرت را از سطح یک معضل اداری یا انتظامی صرف، به سطح یک منطقی تولید سیاست خارجی ارتقا می‌دهد. برای کشوری مانند ایران که در مرکز تنش‌های ژئوپلیتیکی قرار دارد و با موج‌های پناهندگی و مهاجرت‌های غیرقانونی مواجه است، ناتوانی در مدیریت گفتمانی می‌تواند مهاجرت را به سرعت با تهدیدهای نفوذ امنیتی، قاچاق و تحریم گره زده و کشور را به سمت اتخاذ سیاست‌های استثنایی سوق دهد. ارزش این چارچوب در آن است که به سیاست‌گذاران ایرانی کمک می‌کند تا درک کنند امنیتی‌سازی مهاجرت چگونه می‌تواند بر تصویر بین‌المللی، دیپلماسی منطقه‌ای و حتی تعاملات فرامرزی تاثیر بگذارد. این مقاله خلا نظری موجود را با نشان دادن این نکته پر می‌کند که مدیریت هوشمندانه مهاجرت، مستلزم توازن میان ضرورت‌های امنیتی مرزی و پرهیز از تله‌های گفتمانی است که ممکن است به انزوای دیپلماتیک یا هزینه‌های گزاف در سیاست خارجی منجر شود.

## منابع فارسی

۱. اختیاری امیری، رضا، رفیع، حسین، و عارفی، عصمت. (۱۳۹۷). مهاجران خاورمیانه ای و امنیت اروپا. *مطالعات روابط بین‌الملل (پژوهشنامه روابط بین‌الملل)*، ۱۱(۴۲)، ۱۰۱-۷۳.
۲. براتعلی‌پور، مهدی، و بهروز، سمیرا. (۱۳۹۷). بررسی تاثیر بحران مهاجرت بر قدرت‌گیری احزاب راست رادیکال در اروپای غربی (۲۰۱۷-۲۰۰۸) (مطالعه موردی: حزب جبهه ملی فرانسه). *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۰(۳۸)، ۱۶۲-۱۳۵.
۳. بهرامی‌پور، فرشته، براتی بروجنی، سحر، و امیدی، علی. (۱۴۰۳). امنیتی‌سازی پدیده مهاجرت در اتحادیه اروپا با تأکید بر مسلمانان ۲۰۲۲-۲۰۱۵. *سیاست جهانی*، ۱۳(۴)، ۱۸۷-۱۵۷.
۴. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد. (۱۳۹۴). فرصت‌های جدید مراودات فرهنگی ایران و اروپا در عصر افراط‌گرایی. *مطالعات روابط فرهنگی بین‌المللی*، ۱(۱)، ۱۲۸-۱۱۵.

۵. رسولی ثانی آبادی، الهام، و موسوی، صدیقه. (۱۳۹۹). نقش احزاب راست‌گرا در امنیتی‌کردن مهاجرت: تأثیر آن بر انتخابات پارلمان اروپا ۲۰۱۹-۲۰۰۹. *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۱۲(۴۳)، ۲۱۶-۱۱۹.
۶. محمدنیا، مهدی. (۱۳۹۵). چالش‌های مهاجرت مسلمانان در اروپا. *پژوهشنامه رسانه بین‌الملل*، ۱(۱)، ۸۷-۶۳.
۷. مقصودی، مجتبی. (۱۴۰۱). مهاجرت و مرزهای بشردوستانه؛ نقض حقوق بشر به نام حقوق بشر در اتحادیه اروپا. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۹(۱)، ۲۳-۸. DOI: 10.22034/ISJ.2022.361225.1903

### English References

1. Amnesty International. (2020). *Human rights and migration policies in Europe*.
2. Andén, K. (2016). The “refugee crisis” on Facebook: Unpacking news media and user responses in Swedish Facebook pages (2015–2016). *Journal of Immigrant & Refugee Studies*, 14(3), 271–291.
3. Berry, M., Garcia-Blanco, I., & Moore, K. (2015). *Press coverage of the refugee and migrant crisis in the EU: A content analysis of five European countries*. Reuters Institute for the Study of Journalism.
4. Bigo, D. (2002). Security and immigration: Toward a critique of the governmentality of unease. *Alternatives: Global, Local, Political*, 27(1 Suppl.), 63–92. <https://doi.org/10.1177/03043754020270S105>
5. Blinder, S., & Allen, W. L. (2015). Constructing immigrants: Portrayals of migrant groups in British national newspapers, 2010–2012. *International Migration Review*, 50(1). <https://doi.org/10.1111/imre.12206>
6. Boswell, C. (2007). Migration control in Europe after 9/11: Explaining the absence of securitization. *Journal of Common Market Studies*, 45(3), 589–610. <https://doi.org/10.1111/j.1468-5965.2007.00722.x>
7. Brubaker, R. (2017). Why populism? *Theory and Society*, 46(2), 85–110.
8. Burtin, A. (2024). *2024, year of migration—for better or for worse*. Voxeurop. Retrieved December 6, 2025, from <https://voxeurop.eu/en/2024-year-migration-better-worse/>
9. Buzan, B., & Hansen, L. (2009). *The evolution of international security studies*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511817762>
10. Buzan, B., & Wæver, O. (1997). Slippery? Contradictory? Sociologically untenable? The Copenhagen School replies. *Review of International Studies*, 23(2), 241–250. <https://doi.org/10.1017/S0260210597002416>
11. Buzan, B., & Wæver, O. (2009). Macrosecuritisation and security constellations:

- Reconsidering scale in securitisation theory. *Review of International Studies*, 35(2), 253–276. <https://doi.org/10.1017/S02602105090008511>
12. Carrera, S., Santos Vara, J., & Strik, T. (Eds.). (2019). *The external dimensions of EU migration and asylum policies in times of crisis: Legality, rule of law and fundamental rights reconsidered*. Edward Elgar Publishing. <https://doi.org/10.4337/9781788972482.00007>
  13. Castles, S., de Haas, H., & Miller, M. J. (2014). *The age of migration: International population movements in the modern world*. Palgrave Macmillan.
  14. Chouliaraki, L., & Zaborowski, R. (2017). Voice and community in the 2015 refugee crisis: A content analysis of news coverage in eight European countries. *International Communication Gazette*, 79(6–7), 613–635. <https://doi.org/10.1177/1748048517727173>
  15. Collett, E., & Le Coz, C. (2018). *After the storm: Learning from the EU response to the migration crisis*. Migration Policy Institute.
  16. Dennison, J., & Geddes, A. (2019). A rising tide? The salience of immigration and the rise of anti-immigration political parties in Western Europe. *The Political Quarterly*. <https://doi.org/10.1111/1467-923X.12620>
  17. Eberl, J.-M., Meltzer, C. E., Heidenreich, T., Herrero, B., Theorin, N., Lind, F., Berganza, R., Boomgaarden, H. G., Schemer, C., & Strömbäck, J. (2018). The European media discourse on immigration and its effects: A literature review. *Annals of the International Communication Association*. <https://doi.org/10.1080/23808985.2018.1497452>
  18. EUobserver. (2017, June 6). *Right-wing parties form bloc in European Parliament*. <https://web.archive.org/web/20170606005215/https://euobserver.com/political/129140>
  19. European Border and Coast Guard Agency (Frontex). (2021). *Annual risk analysis 2021*.
  20. European Border and Coast Guard Agency (Frontex). (2024). *Annual risk analysis 2024*.
  21. European Commission. (2016). *EU–Turkey statement*.
  22. Farani, M. N. U. D., & Akram, Q. (2020). Theoretical conceptualization of the migration–security nexus in international relations theory. *Journal of Politics and International Studies*, 6(1), 105–120.
  23. Fidesz. (n.d.). *Official website of Fidesz*. <https://fidesz.hu>
  24. France 24. (2021, November 8). *How the French “great replacement” theory conquered the far right*. <https://www.france24.com/en/europe/20211108-how-the-french-great-replacement-theory-conquered-the-far-right>
  25. Fratelli d'Italia. (2025). *Rapporto immigrazione 2025*.

26. Frederiksen, M. (2021). “*Vi kan ikke modtage alle. Vi skal beskytte vores samfund*” [New Year's speech]. Copenhagen, Denmark.
27. Gallup. (2015, October 28). *Europeans are negative toward immigration*. <https://news.gallup.com/poll/186209/europeans-negative-toward-immigration.aspx>
28. Gallup. (2017, August 15). *Syrian refugees not welcome in Eastern Europe*. <https://news.gallup.com/poll/209828/syrian-refugees-not-welcome-eastern-europe.aspx>
29. Gallup. (2017, June 14). *New index shows the least accepting countries for migrants*. <https://news.gallup.com/poll/216377/new-index-shows-least-accepting-countries-migrants.aspx>
30. Geddes, A. (2021). *The European migration system and crisis*. Oxford University Press.
31. Guild, E., Costello, C., & Moreno-Lax, V. (2017). The 2015 refugee crisis in the European Union: A crisis of solidarity? *Cambridge Yearbook of European Legal Studies*, 18, 1–28.
32. Huysmans, J. (2000). The European Union and the securitization of migration. *Journal of Common Market Studies*, 38(5), 751–777. <https://doi.org/10.1111/1468-5965.00263>
33. Huysmans, J., & Squire, V. (2009). Migration and security. In M. Dunn Cavelty & V. Mauer (Eds.), *Handbook of security studies* (pp. 1–18). Routledge.
34. Joint Research Centre. (2025). *Navigating migration narratives: Research insights and strategies for effective communication* (JRC142039). Publications Office of the European Union. <https://doi.org/10.2760/7999210>
35. Lahav, G., & Messina, A. M. (2024). *Immigration, security, and the liberal state*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/9781009298001>
36. Le Pen, M. (2022). “*La migration de masse menace notre civilisation*” [Speech]. Rassemblement National, Paris, France.
37. Ministry of Immigration and Integration. (2019). *Asylum reform 2019*. <https://uim.dk/english/asylum-reform-2019>
38. Ministry of Interior, Germany. (2015). *Revised asylum procedure*.
39. Mixed Migration Centre. (2024). *The Netherlands' politically manufactured migration crisis*. <https://mixedmigration.org/the-netherlands-politically-manufactured-migration-crisis/>
40. Mudde, C. (2019). *The far right today*. Polity Press.
41. Orbán, V. (2015). “*Migration is a threat to Europe's identity and sovereignty*” [Statement]. European Council Meeting, Brussels, Belgium.
42. Pew Research Center. (2016). *Europeans fear wave of refugees will mean more terrorism, fewer jobs*.

43. Salvini, M. (2018). “*L'era dell'immigrazione clandestina è finita*” [Press statement]. Rome, Italy.
44. Ther, P. (2017). *Europe since 1989: A history*. Princeton University Press. <https://doi.org/10.1515/9781400882892>
45. Vallée, Z. (2025). *The great replacement conspiracy theory: Civilization, decline and the political weaponization of identity through the lens of far-right myth making* [Master's thesis, Lund University].
46. Wæver, O. (1995). Securitization and desecuritization. In R. D. Lipschutz (Ed.), *On security* (pp. 46–86). Columbia University Press.
47. Wæver, O. (1998). The sociology of a not so international discipline: American and European developments in international relations. *International Organization*, 52(4), 687–727. <https://doi.org/10.1162/002081898550725>
48. Wæver, O. (2002). Krigens tre samtaler. *Distinktion: Scandinavian Journal of Social Theory*, 3(2), 7–13. <https://doi.org/10.1080/1600910X.2002.9672823>
49. Wæver, O. (2018). A post-Western Europe: Strange identities in a less liberal world order. *Ethics & International Affairs*, 32(1), 75–87. <https://doi.org/10.1017/S0892679418000114>
50. Wodak, R., KhosraviNik, M., & Mral, B. (Eds.). (2013). *Right-wing populism in Europe: Politics and discourse*. Bloomsbury Academic. <https://doi.org/10.5040/9781472544940>
51. Zaborowski, R., & Georgiou, M. (2017). Refugee “crisis”? Try “crisis in the European press.” *openDemocracy*.

#### **Translated Reference in English**

1. Amnesty International. (2020). *Human rights and migration policies in Europe*.
2. Andén, K. (2016). The “refugee crisis” on Facebook: Unpacking news media and user responses in Swedish Facebook pages (2015–2016). *Journal of Immigrant & Refugee Studies*, 14(3), 271–291.
3. Bahrami-Pour, F., Barati Boroujeni, S., & Omid, A. (2024). Securitization of the Migration Phenomenon in the European Union with an Emphasis on Muslims (2015-2022). *Global Politics*, 13(4), 157-187. **(In Persian)**
4. Baratali-Pour, M., & Behrouz, S. (2018). Investigating the Impact of the Migration Crisis on the Rise of Radical Right-Wing Parties in Western Europe (2008-2017) (Case Study: National Front Party of France). *Foreign Relations Quarterly*, 10(38), 135-162. **(In Persian)**
5. Berry, M., Garcia-Blanco, I., & Moore, K. (2015). *Press coverage of the refugee and*

- migrant crisis in the EU: A content analysis of five European countries*. Reuters Institute for the Study of Journalism.
6. Bigo, D. (2002). Security and immigration: Toward a critique of the governmentality of unease. *Alternatives: Global, Local, Political*, 27(1 Suppl.), 63–92. <https://doi.org/10.1177/03043754020270S105>
  7. Blinder, S., & Allen, W. L. (2015). Constructing immigrants: Portrayals of migrant groups in British national newspapers, 2010–2012. *International Migration Review*, 50(1). <https://doi.org/10.1111/imre.12206>
  8. Boswell, C. (2007). Migration control in Europe after 9/11: Explaining the absence of securitization. *Journal of Common Market Studies*, 45(3), 589–610. <https://doi.org/10.1111/j.1468-5965.2007.00722.x>
  9. Brubaker, R. (2017). Why populism? *Theory and Society*, 46(2), 85–110.
  10. Burtin, A. (2024). *2024, year of migration—for better or for worse*. Voxeurop. Retrieved December 6, 2025, from <https://voxeurop.eu/en/2024-year-migration-better-worse/>
  11. Buzan, B., & Hansen, L. (2009). *The evolution of international security studies*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511817762>
  12. Buzan, B., & Wæver, O. (1997). Slippery? Contradictory? Sociologically untenable? The Copenhagen School replies. *Review of International Studies*, 23(2), 241–250. <https://doi.org/10.1017/S0260210597002416>
  13. Buzan, B., & Wæver, O. (2009). Macrosecuritisation and security constellations: Reconsidering scale in securitisation theory. *Review of International Studies*, 35(2), 253–276. <https://doi.org/10.1017/S0260210590008511>
  14. Carrera, S., Santos Vara, J., & Strik, T. (Eds.). (2019). *The external dimensions of EU migration and asylum policies in times of crisis: Legality, rule of law and fundamental rights reconsidered*. Edward Elgar Publishing. <https://doi.org/10.4337/9781788972482.00007>
  15. Castles, S., de Haas, H., & Miller, M. J. (2014). *The age of migration: International population movements in the modern world*. Palgrave Macmillan.
  16. Chouliaraki, L., & Zaborowski, R. (2017). Voice and community in the 2015 refugee crisis: A content analysis of news coverage in eight European countries. *International Communication Gazette*, 79(6–7), 613–635. <https://doi.org/10.1177/1748048517727173>
  17. Collett, E., & Le Coz, C. (2018). *After the storm: Learning from the EU response to the migration crisis*. Migration Policy Institute.
  18. Dennison, J., & Geddes, A. (2019). A rising tide? The salience of immigration and the

- rise of anti-immigration political parties in Western Europe. *The Political Quarterly*.  
<https://doi.org/10.1111/1467-923X.12620>
19. Eberl, J.-M., Meltzer, C. E., Heidenreich, T., Herrero, B., Theorin, N., Lind, F., Berganza, R., Boomgaarden, H. G., Schemer, C., & Strömbäck, J. (2018). The European media discourse on immigration and its effects: A literature review. *Annals of the International Communication Association*.  
<https://doi.org/10.1080/23808985.2018.1497452>
  20. Ekhtiari Amiri, R., Rafie, H., & Arefi, E. (2018). Middle Eastern Migrants and European Security. *International Relations Studies (Journal of International Relations)*, 11(42), 73-101. **(In Persian)**
  21. EUobserver. (2017, June 6). *Right-wing parties form bloc in European Parliament*.  
<https://web.archive.org/web/20170606005215/https://euobserver.com/political/129140>
  22. European Border and Coast Guard Agency (Frontex). (2021). *Annual risk analysis 2021*.
  23. European Border and Coast Guard Agency (Frontex). (2024). *Annual risk analysis 2024*.
  24. European Commission. (2016). *EU–Turkey statement*.
  25. Farani, M. N. U. D., & Akram, Q. (2020). Theoretical conceptualization of the migration–security nexus in international relations theory. *Journal of Politics and International Studies*, 6(1), 105–120.
  26. Fidesz. (n.d.). *Official website of Fidesz*. <https://fidesz.hu>
  27. France 24. (2021, November 8). *How the French “great replacement” theory conquered the far right*. <https://www.france24.com/en/europe/20211108-how-the-french-great-replacement-theory-conquered-the-far-right>
  28. Fratelli d'Italia. (2025). *Rapporto immigrazione 2025*.
  29. Frederiksen, M. (2021). *“Vi kan ikke modtage alle. Vi skal beskytte vores samfund”* [New Year's speech]. Copenhagen, Denmark.
  30. Gallup. (2015, October 28). *Europeans are negative toward immigration*.  
<https://news.gallup.com/poll/186209/europeans-negative-toward-immigration.aspx>
  31. Gallup. (2017, August 15). *Syrian refugees not welcome in Eastern Europe*.  
<https://news.gallup.com/poll/209828/syrian-refugees-not-welcome-eastern-europe.aspx>
  32. Gallup. (2017, June 14). *New index shows the least accepting countries for migrants*.  
<https://news.gallup.com/poll/216377/new-index-shows-least-accepting-countries-migrants.aspx>
  33. Geddes, A. (2021). *The European migration system and crisis*. Oxford University Press.
  34. Guild, E., Costello, C., & Moreno-Lax, V. (2017). The 2015 refugee crisis in the European Union: A crisis of solidarity? *Cambridge Yearbook of European Legal*

- Studies*, 18, 1–28.
35. Haji Yousefi, A. M. (2015). New Opportunities for Cultural Interactions between Iran and Europe in the Era of Extremism. *Studies of International Cultural Relations*, 1(1), 115-128. **(In Persian)**
  36. Huysmans, J. (2000). The European Union and the securitization of migration. *Journal of Common Market Studies*, 38(5), 751–777. <https://doi.org/10.1111/1468-5965.00263>
  37. Huysmans, J., & Squire, V. (2009). Migration and security. In M. Dunn Caveltly & V. Mauer (Eds.), *Handbook of security studies* (pp. 1–18). Routledge.
  38. Joint Research Centre. (2025). *Navigating migration narratives: Research insights and strategies for effective communication* (JRC142039). Publications Office of the European Union. <https://doi.org/10.2760/7999210>
  39. Lahav, G., & Messina, A. M. (2024). *Immigration, security, and the liberal state*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/9781009298001>
  40. Le Pen, M. (2022). “*La migration de masse menace notre civilisation*” [Speech]. Rassemblement National, Paris, France.
  41. Maqsoodi, Mojtaba (2022). Migration and Humanitarian Borders: The Violation of Human Rights in the Name of Human Rights in the European Union. *International Studies Journal*, 19(1), 8-23. <https://doi.org/10.22034/ISJ.2022.361225.1903>. **(in Persian)**
  42. Ministry of Immigration and Integration. (2019). *Asylum reform 2019*. <https://uim.dk/english/asylum-reform-2019>
  43. Ministry of Interior, Germany. (2015). *Revised asylum procedure*.
  44. Mixed Migration Centre. (2024). *The Netherlands’ politically manufactured migration crisis*. <https://mixedmigration.org/the-netherlands-politically-manufactured-migration-crisis/>
  45. Mohammad-Nia, M. (2016). Challenges of Muslim Migration in Europe. *International Media Journal*, 1(1), 64-86. **(In Persian)**
  46. Mudde, C. (2019). *The far right today*. Polity Press.
  47. Orbán, V. (2015). “*Migration is a threat to Europe’s identity and sovereignty*” [Statement]. European Council Meeting, Brussels, Belgium.
  48. Pew Research Center. (2016). *Europeans fear wave of refugees will mean more terrorism, fewer jobs*.
  49. Rasouli Sani-Abadi, E., & Mousavi, S. (2020). The Role of Right-Wing Parties in the Securitization of Migration: Its Impact on the European Parliament Elections (2009-

- 2019). *Political and International Research Quarterly*, 12(43), 191-216. **(In Persian)**
50. Salvini, M. (2018). "L'era dell'immigrazione clandestina è finita" [Press statement]. Rome, Italy.
51. Ther, P. (2017). *Europe since 1989: A history*. Princeton University Press. <https://doi.org/10.1515/9781400882892>
52. Vallée, Z. (2025). *The great replacement conspiracy theory: Civilization, decline and the political weaponization of identity through the lens of far-right myth making* [Master's thesis, Lund University].
53. Wæver, O. (1995). Securitization and desecuritization. In R. D. Lipschutz (Ed.), *On security* (pp. 46–86). Columbia University Press.
54. Wæver, O. (1998). The sociology of a not so international discipline: American and European developments in international relations. *International Organization*, 52(4), 687–727. <https://doi.org/10.1162/002081898550725>
55. Wæver, O. (2002). Krigens tre samtaler. *Distinktion: Scandinavian Journal of Social Theory*, 3(2), 7–13. <https://doi.org/10.1080/1600910X.2002.9672823>
56. Wæver, O. (2018). A post-Western Europe: Strange identities in a less liberal world order. *Ethics & International Affairs*, 32(1), 75–87. <https://doi.org/10.1017/S0892679418000114>
57. Wodak, R., KhosraviNik, M., & Mral, B. (Eds.). (2013). *Right-wing populism in Europe: Politics and discourse*. Bloomsbury Academic. <https://doi.org/10.5040/9781472544940>
58. Zaborowski, R., & Georgiou, M. (2017). Refugee "crisis"? Try "crisis in the European press." *openDemocracy*.

